

برای محمد کاسبی، هنرمند دوست‌داشتنی تلویزیون و سینما که دیروز درگذشت

اواواخر دوران دانشجویی او مقارن با پیروزی
نخستین انقلاب اسلامی بود و می توان گفت نخستین
نمایش صحنه ای پس از انقلاب نمایش
«نهضت حروفیه» محصول دانشجویان
دانشکده هنرهای دراماتیک بود که محمد
در آن به مدت چهل شب به روی
صحنه رفت.

هنرهای نمایشی وزارت ارشاد را نیز در همان سال راه اندازی کرد. مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی در حوزه هنر هرگز او را از بازیگری دور نکرد و در سال ۱۳۶۱ با بازی در فیلم «مرگ دیگری» به کارگردانی محمدرضا هنرمند نخستین فیلم سینمایی خود را تجربه کرد.



مرحوم کاسبی در «دو چشم بی سو»



محمد کاسبی در سریال «همسفر خورشید»

سریال «همسفر خورشید» به کارگردانی علی شاه حاتمی دومین اثر او در حوزه امام رضا(ع) است و در فیلم «آسمان هشتم» نیز در نقش خادم امام رضا(ع)، عاشقانه به ایفای نقش پرداخت که عمیقاً به او ارادت و علاقه قلبی داشت. محمد کاسبی، هنرمند متعهد، مردی و انقلابی که بارها از سوی رهبر معظم انقلاب نیز مورد تحسین قرار گرفته است. پس از آن سال‌ها تحمل بیماری در خواب روز گذشته سرای همیشه در آغوش نجات گرفت.

شاعر و نویسنده
امید مهدی نژاد

شاعر و نویسندہ
امید مہدی نژاد

گفت: اگر تفکر قالبی در مورد جنسیت وجود نداشت، ما به این سؤال جواب درست می دادیم. اما این تفکر قالبی مانع از رسیدن ما به جواب درست می شود. دنبال کنندگان گفتند: می شود یک جور بگویید ما بفهمیم؟ پیر گفت: بله. آیا پزشک کشیک اورژانس بیمارستان نمی تواند یک زن باشد؟ او مادر پسر بود و مرد راننده که فوت شد پدر پسر بود و پسر خود پسر دنبال کنندگان گفتند: عجب. پیر در پایان گفت: امروزه ما بیشتر از همیشه اسیر تفکرات قالبی خود هستیم. وی افزود: تفکر قالبی فقط در مورد جنسیت نیست، بلکه در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی و غیره وی هست. در این لحظه اینترنت قطع شد و سخن حکیم ناتمام ماند.



بیلی

گارتون

سہ

۳۰٪

رطوبت هوا

۲۵٪

رطوبت هوا

۳۰

ظہر

۲۰

صبح

۱۹

شب

۲۴

عصر

۲۲:۳۵:۴۳

نیمہ شب شرعی

۱۱:۱۷:۴۲

اذان ظہر

۰۴:۱۳:۵۸

اذان صبح فردا

۱۶:۵۸:۱۸

غروب آفتاب

۰۵:۳۸:۰۰

طلوع آفتاب فردا

۱۷:۱۶:۴۰

اذان مغرب

اوقات شرعی مشهد

دمای هوای مشهد

اول شخص

یادی از دکتر غلامحسین مصاحب
ملقب به پدر ریاضیات نوین ایران هم‌زمان با سالروز درگذشتش

A black and white portrait of a middle-aged man with dark hair, wearing thick-rimmed glasses, a dark suit jacket, a white shirt, and a dark bow tie. He is looking directly at the camera with a slight smile. The background is a plain, light color.

الگوهای نگارش علمی اند. جمله‌های کوتاه، تعریف‌های مستحیده و نمادگذاری یک دست، بخش ثابت تألیف‌های اوست. وقتی در راهروها قدم می‌زنند، می‌داند که این راه دراز است. با این حال پیگیری موشکافانه‌ای دارد که کم‌ریاضیات جدید را یک‌بار از یک شعار به یک برنامه آموزشی تبدیل می‌کند. برنامه‌ای که در آن، مفاهیم نو، روش‌های اثبات و سلیقه نگارشی علمی با هویت فارسی‌اشتی می‌کنند. لقب «پدر ریاضیات نوین» می‌فکند. کلاس‌های درسی به روزنامه‌ها هم می‌رسد اما برای او مهم‌تر از لقب، نسل تازه ریاضی دانست.

و قتی «دکتر غلامحسین مصاحب» در مهر ۱۳۵۸ چشم از جهان بست. روی میزش هنوز برگه‌هایی بود با حاشیه‌نویسی‌های ریز و دقیق؛ ر قلمی که سال‌ها پیش، راهش را به سوی نگارش دانشنامه باز کرده بود. او، در تبریز و سامان دهنده «انثاء المعارف» فارسی، شد؛ پروژه‌ای زنده که قرار بود ریاضی را به فارسی خوش‌خوان و معیار ترجمه و تألیف کند. روش کار او نو بود و این دانشنامه فقط گردآوری م دخل‌ها نبود؛ م‌دوره‌ای برای ویراستاری علمی در ایران بود. به فرهنگ ایران عشق می‌ورزید؛ از خیام، رساله جبر را با ترجمه و شرح تاریخی سامان داد و با م‌دخل منطق صورت، به فارسی آموخت چگونه مفهوم را بی‌ابهام بنویسد. «آنالیز ریاضی» و نظریه ق‌دماتی اعداد» را چنان پرداخت که هم کتاب درسی باشند و هم نمونه نشر علمی. کتاب‌هایی که سال‌ها بعد، هنوز در قفسه کتاب‌های دانشگاهی می‌درخشند. در جلسات دانشنامه، بر‌اندازی نام‌های بیگانه، یک‌دست‌نویسی و سلیقه زبانی اصرار می‌کرد. دکتر مصاحب می‌دانست که زبان، ستون فقرات دانشنامه است و اگر ا‌ز این زبان راست بایستد، دانش هم خود را منظم نشان می‌دهد. پشت جلدها نام او می‌درخشد اما در اتاق‌های او، همان معلم سخت‌گیر مهربانی بود که خطا را با لبخند گ‌زشت می‌کرد. و آگاهی‌ر در توجه به جزئیات می‌جست. کارنامه‌اش را که ورق بزنی، می‌بینی خط و رنگی و علمی واحدی لایه‌ای همه آثارش جریان دارد. این کارنامه و سلیقه باقیم‌ا‌ورباضی آموخت. هنوز هم نام این نخبه و انسان بزرگ در زنده نگه‌می‌دارد.

اندیشه روشن

تخته سیاه را با دستمالی کوچک پاک می‌کند و سر کلاس می‌رود. «بابی، فقط دو تمرین نیست؛ زباید اندیشیدن است.» شاگردانش هم چشم از او پر نمی‌دارند. برنامه‌ای می‌چیند تا دبیرستان و دانشگاه، نفس تازه‌ای در درس بدهند. مفاهیم بنیادین، منظم، طبقه‌بندی شده و فارسی معیار را در کلاس هایش تکرار می‌کند. به سراغ دارالمعلمین عالی می‌رود، گروه می‌سازد و به مؤسسه راضیات را می‌آید می‌کند. کتابخانه‌ای تخصصی فراهم می‌شود و نسل تازه‌ای از مدرسان دانشگاه‌ها زیر دستش بیرون می‌آیند. مدرسانی که ایده‌ها را روشن می‌کنند و به دنبال تکرار فرغ قانون نیستند، او به راضیات، شانی اجتماعی می‌دهد. امتحان را از «فقط فرمول» به سمت «فهم ساختار» می‌برد. در جلسات رسمی، برای واژه‌ها می‌جنگد، در کلاس، برای شیوه فهم، عصرها که کلاس‌ها تمام می‌شود، روی میز کارش طرح درس‌ها، نمونه‌های واژه‌گزینی و فهرست کتاب‌های درسی مقلدانه است. «آنالیز ریاضی» و «نظریه مقدماتی اعداد» فقط زبانی نیستند،